

◀ سیاست حکیمانه

اساس و راهنمای شه‌ریار در این بافتن و پیوند دادن، «دوستی» است. شه‌ریار به کمک این راهنما، روحیات مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد؛ روحیاتی که هر کدام نمایانگر فضیلتی همچون شجاعت و دینداری و خرد و عدالت و خویش‌ن‌داری و پارسایی و هنر و دانش و فن و پیشه است. در عین حال شه‌ریار این را هم می‌داند که ه‌ر انسانی ممکن است به برخی از این فضایل و نه همه آنها مجهز باشد مضاف بر آنکه ممکن است به دلایل متعدد، در بازه‌ای از توانایی لازم برای انجام آنها برخوردار باشد و در بازه‌ای دیگر ناتوان از انجام آنها شود. او عطف به این تنوع و همه مشکلات است که سعی می‌کند جامعه مورد نظر خود را به کمک همین انسان‌ها بسازد؛ جامعه‌ای رنگارنگ و منسجم که در آن همه روحیات و فضایل حضور دارند و از قبل پیوند و مشارکت همه طیف‌ها ساخته می‌شود. شه‌ریار چنین جامعه‌ای، آدمیان را خواه به نحو طبیعی از مسیر ازدواج و خواه از مسیر آموزش و خواه در موقعیت‌های مناسب با هم مواجه و متصل می‌کند و تار و پودها را به‌گونه‌ای هنرمندانه درهم می‌بافد؛ هنری که به گفته او از دست نظامیان و شاعران و هر صاحب حرفه‌ای که گزینش‌گرانه عمل می‌کند و نمی‌تواند کلیت افراد و اصناف و طبقات اجتماعی را با هم ببیند و به خدمت گیرد، بر نمی‌آید.

◀ سیاست مشارکت

حال باید پرسید، جامعه ایران را - که با رنگین‌کمانی از اقوام و ادیان و مذاهب و زبان‌های متعدد روبه‌رو بوده و برآمده از تاریخی چند هزار ساله و قرار گرفته در مسیر رفت و آمد فرهنگ‌های بسیار است و رویدادهای بزرگ و سهمگین تاریخی را نظاره کرده و در انواع رخداد‌های خرد و کلان فرهنگی و علمی و سیاسی مشارکت داشته است - چگونه باید مدیریت کرد؟ چگونه می‌توان جامعه‌ای داشت هم متصل به گذشته خود و هم گشوده به روی جهان حال و آینده؟ چگونه می‌توان جامعه‌ای داشت با حداکثر حضور رنگ‌ها و تنوعات؟ چگونه می‌توان هویتی واحد و در عین حال کثیر داشت؛ بسان آنچه عرفا و حکمای ما ذیل ایده «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» بیان کرده‌اند؟

به حتم ساختن جامعه‌ای منسجم و هماهنگ در زمانه فعلی، بسی سخت‌تر و پیچیده‌تر از چیزی است که افلاطون می‌اندیشید و بیان کرده است. شاید هم ساختار اجتماعی در زمانه ما از منطق یا منطق‌هایی متفاوت از آنچه افلاطون فکر می‌کرد تبعیت می‌کند. شاید هم سخن افلاطون را باید در مقیاس شهرها و نه یک واحد سرزمینی بزرگ فهم کرد. با همه این تفاوت‌ها و سختی‌ها، اجرای ایده افلاطون هم کار ساده‌ای نیست؛ زیرا شه‌ریاری پخته و گرم و سرد روزگار چشیده و فزانه باید تا «درخت دوستی» بنشاند و آن را مبنای سیاست و حکمرانی خود قرار دهد و «نهال دشمنی» برکند و همگان را ذی‌نفع و صاحب راستین حکومت و سرزمین و منابع آن بدانند. ▶



«دولت دوستی» بسان شه‌ریاری مهربان، درصدد پیوندهای اجتماعی است و نه مرزگذاری‌های مصنوعی درون سرزمینی. چنین دولتی، به جای نشاندن نهال دشمنی و وضع مرزهای تفرقه‌افکن خودی و غیرخودی، مفهوم «وفاق» را در معنایی فراتر از سهم‌دهی به خدمت می‌گیرد تا از ظرفیت‌های متعدد و قدرتمند پیوندهای اجتماعی برای گذر از مشکلات داخلی و بین‌المللی بهره‌گیرد

◀ استراتژی رفاقت

برکنار از منبع یا منابع معرفتی پشتیبان نظام‌های سیاسی حاکم، در نظم سیاسی جدید، این مردم و شه‌روندان هستند که ذی‌حق‌اند. حکومت‌ها و دولت‌ها برای اجرای این حق و حمایت و پاسداشت این حق به قدرت می‌رسند و مشروعیت خود را از این مجرا به دست می‌آورند. آنان نمایندگان همان مردمان متنوع و رنگینی‌اند که تفاوت‌هایی بسیار درون خود دارند. طبیعی است که دولت و حاکمانی که به نمایندگی از این مردم به قدرت می‌رسند باید به معنای راستین، این تنوع و تفاوت‌ها را نمایندگی کنند. هیأت حاکمه باید بر اساس قاعده و اصل «دوستی»، و نه بر اساس ضابطه نفع یک یا چند جریان فکری و تشکیلاتی معدود، زمینه فعالیت و مشارکت و بهره‌مندی همگان از منابع مادی و فرهنگی و اجتماعی ملی را فراهم آورد. بدین منظور، هم صاحبان حق باید تنوع سلاقی و رنگارنگی نیازهای خود را در ساختار و برنامه‌های هیأت حاکمه مشاهده و مطالبه کنند و هم هیأت حاکمه باید نماینده تمامیت جامعه باشد.

برای این کار، دولت و حاکمیت باید «دولت دوستی» باشد و نه دولت افراد یا جریان‌هایی خاص. دولت دوستی،

بسان شه‌ریاری مهربان، درصدد پیوندهای اجتماعی است و نه مرزگذاری‌های مصنوعی درون سرزمینی. این دولت، به جای کوبیدن بر طبل دشمنی و نشاندن نهال دشمنی و وضع مرزهای تفرقه‌افکن خودی و غیرخودی، مفهوم «وفاق» را در معنایی فراتر از سهم‌دهی به خدمت می‌گیرد تا از ظرفیت‌های متعدد و قدرتمند پیوندهای اجتماعی برای گذر از مشکلات داخلی و بین‌المللی بهره‌گیرد. در ساختار این دولت، امکان ترمیم زخم‌ها و عیب‌ها از طریق استیضاح خاطیان و سوءاستفاده‌کنندگان از موقعیت و منصب و قدرت وجود دارد. صاحبان حق هم می‌توانند از طریق مشارکت در تصمیم‌سازی و نقد رفتارها و تنوع بخشیدن به مراکز قدرت، دولت منتخب را در اجرای برنامه‌های خود پشتیبانی کنند. در این ساختار، دانشگاه‌های مستقل نیز می‌توانند با منطقی متفاوت از کنشگری دولت و جامعه، در جریان توسعه علمی و مراوده آزاد با همتایان بین‌المللی خود، ساختارهای برهم زنده تعادل میان دولت و جامعه و محیط زیست را مورد ارزیابی و انتقاد قرار دهند تا مفهوم «دوستی» در گستره‌ای وسیع‌تر از روابط میان انسان‌ها و جامعه و دولت، امکان تحقق یابد.